

جهان علی و معلولی

رابطه علت و معلول (علیت)

یک رابطه وجودی است: یعنی علت به معلول وجود می دهد. پس معلول قبل از رابطه وجود ندارد.

معلول در وجود خود نیازمند علت است.

درک آن عقلی است.

مصدق آن را با حس و تجربه هم می توان شناخت.

هر حادثه ای (چیزی که وجودش ذاتی نیست (حادث)) علتی دارد.

یکی از کهن ترین مسائل فلسفی است. (علت و معلول)

شاید نخستین مسئله ای باشد که: ۱- فکر بشر را متوجه خود ساخته، ۲- او را به تفکر و اندیشه وادار کرده است.

اندیشه یک فرد از کودکی با این مسئله گره خورده است.

انسان از ابتدای ظهور خود با این مسأله درگیر بوده است = به دنبال علت یابی بوده است.

کلمه «چرا» بازتابی از درک همین رابطه است، یعنی به چه علت / علت این حادثه چیست؟

ضرورت علی معلولی (وجوب علی معلولی)

علت به معلول خود وجوب وجود می دهد.

علت به معلول ابتدا ضرورت وجود می دهد، سپس وجود می دهد.

این اصل یعنی وقتی علت هست، معلول باید باشد و نمی توان تصور کرد که علت باشد و معلول نباشد.

همواره علت یک عامل بیرونی است که حالت تساوی (امکان) را از بین می برد. (درترازو، خود به خود کفه ای بر کفه دیگر سنگینی نمی کند).

سنخیت بین علت و معلول

هر معلولی، علت خاصی دارد و از هر علتی هر معلولی صادر نمی شود.

الزام و پابندی به این اصل در رفتار همه انسان ها (حتی منکران آن) دیده می شود.

پشتوانه عقلی نظم دقیق جهان و مبنای تحقیقات علمی برای کشف این نظم است.

برخی نتایج اصل سنخیت

۱- نبود اتفاق

۲- وجود نظم و پیوستگی

۳- امکان پیش بینی رخدادها

۴- امکان پیشگیری از حوادث

۵- امکان پژوهش و تحقیق

۶- وجود علم و قانون علمی

۷- به وجود آمدن شاخه های مختلف دانش

۸- تنظیم امور زندگی

فیلسوف	گرایش فلسفی	اعتقاد به علیت	چگونگی درک علیت	عینی و ذهنی
دکارت	عقل گرا	دارد	واقعی است و ادراک آن عقلی است و عقل بدون دخالت حس به صورت فطری آن را درک می کند.	عینی
بیکن و تجربه گرایان غیراز هیوم	تجربه گرا	دارد	واقعی است و ادراک آن تجربی است که حاصل مشاهده حسی و توالی پدیده ها است.	عینی
هیوم	تجربه گرا	ندارد	نه با عقل و نه با حس درک نمی شود. تداعی ذهنی ناشی از عادت ذهن به تکرار پدیده های مکرر است.	ذهنی
کانت	عقل گرا (جمع بین عقل و تجربه)	دارد	جزء ساختار ذهن است، یعنی انسان نمی تواند اشیا را در آن درک نکند؛ یک امر ذهنی است نه عینی	ذهنی
مسلمانان	عقل گرا	دارد	کاملاً عقلی مبتنی بر اصل امتناع اجتماع نقیضین درک می شود، اما درک مصادیق آن می تواند تجربی هم باشد.	عینی